

دلایل تمرکز ایران و آمریکا برای رسیدن به تفاهم نانوشته

یک تحلیلگر مسائل بین الملل در خصوص سفر وزیر خارجه به کشورهای عربی منطقه گفت: طی چند هفته گذشته، گزارش‌های خبری متعددی در شماری از رسانه‌های معتبر اروپایی و آمریکایی در مورد یک توافق نانوشته بین ایران و آمریکا انتشار یافته است. از آنجا که این گزارش‌ها و خط اصلی آنها از جانب مقامات ایرانی و آمریکایی تکذیب نشده، می‌توان احتمال داد که چنین سیاستی از سوی طرفین اتخاذ شده و مذاکراتی در این رابطه در جریان است. کوروش احمدی افزود: دلیل روی آوردن به چنین گزینه‌ای ظاهر این است که برای آمریکادار این مقطع زمانی امکان یک توافق مکتوب، اعم از احیای برجام یا توافقی موقت در چارچوب برجام، وجود ندارد و از طرفی مایل است روابط با ایران بحرانی نشود. محتمل است که به سه دلیل تمرکز بر یک تفاهم نانوشته قرار گرفته است؛ نخست اینکه برخی معتقدند که ارزش عدم ابرام ۹۴ از دست رفتن است. وی ادامه داد: دوم اینکه آمریکادار حال نزدیک شدن به دوره انتخابات است و در چنین شرایطی این تصور وجود دارد که احیای برجام ممکن است در جو سیاسی کنونی برای دموکرات‌ها ایجاد مشکلات مضاعف کند. سوم اینکه در می ۲۰۱۵ یک قانونی برای بررسی هر گونه توافق هسته‌ای با ایران به تصویب کنگره رسید قانون INARA که در نتیجه آن دولت باید ناچار خواهد بود یک توافق رسمی مکتوب را برای بررسی به کنگره بفرستد و این امر در آستانه انتخابات می‌تواند منشاء مشکلاتی برای دموکرات‌ها، از جمله شکاف در بین آنها شود. برخی عوامل فرعی دیگر مانند تندتر شدن جو سیاسی آمریکا علیه توافقی با ایران به خاطر اعتراضات پائیز گذشته و نیز ادعای ارسال پیکار از ایران به روسیه و مانند این‌ها نیز تاثیراتی داشته و از جمله افراد و گروه‌هایی را که در گذشته خواستار حل مسائل بین ایران و آمریکا از طریق دیپلماسی بودند را تضعیف کرده است. احمدی در پاسخ به این سوال، با توجه به تحولات رخ داده در باره آزادی زندانیان دو تابعیتی، آزادی پول‌های بلوکه شده، این اتفاقات تا کجا ادامه خواهد داشت و تا چه اندازه می‌توان نسبت به این توافقات خوش‌بین باشد، گفت: آزادی زندانیان دو تابعیتی مدت‌هاست که در دستور کار دو طرف قرار دارد. ظاهر مذاکرات مربوطه در نیویورک، دوحه و مسقط در جریان بود. چند زندانی با تابعیت مضاعف اروپایی نیز طی هفته‌های گذشته آزاد شدند. اکنون ظاهراً تمرکز آمریکا بر سه زندانی است که تابعیت مضاعف آمریکایی دارند. آمریکایی‌ها مدعی هستند که اولویت اول را برای آزادی این زندانی‌ها قائل‌اند. وی تصریح کرد: در مقابل، آزادی پول‌های بلوکه شده در چند کشور نیز مورد توجه ایران است. در ۷.۲ میلیارد دلار دارایی ایران در یکی از بانک‌های عراق آزاد شد. البته سختگویی وزارت خارجه آمریکا در ۱۵ ژوئن مدعی شد که آزادی این سپرده به این صورت است که در یکی از بانک‌های خارج از ایران به صورت امانی سپرده می‌شود و انجام پرداخت‌های مرتبط با اقلام غیرتجربی مثل مواد غذایی و دارو با تأیید مورد به مورد اقلام توسط آمریکا مقدور خواهد بود. ظاهراً اکنون تمرکز بر آزاد کردن دارایی‌های مسدود شده ایران در عراق و کره جنوبی است. البته علاوه بر آزادسازی این سپرده‌ها، صحبت از عدم اعمال تحریم‌های جدید و اجرای کمتر سختگیرانه تحریم‌های موجود است. به این معنی که عملاً ایران اجازه خواهد داشت که نفت بیشتری را صادر کند. البته صحبت از این است که ایران در مقابل، غنی‌سازی خود را در سطح ۶۰ درصد و بیشتر متوقف کند. (البته این نظر هم وجود دارد که صرفاً صحبت از فراتر رفتن ایران از غنی‌سازی ۶۰ درصد است). همچنین وی تصریح کرد: شاید به همین دلیل باشد که دیگر رابرت مالی کمتر در این قضیه درگیر بوده و عمدتاً برت مک‌گرت در مذاکرات نقش داشته است. نهایتاً اگر منظور از سوال جدول زمانی مربوط به این تفاهم نانوشته است، باید بگویم، این یکی از اینهاست بزرگ این روند است. در شرایطی که آمریکا از یک توافق مکتوب مورد تأیید شورای امنیت خارج شد، طبعاً تداوم و اجرای یک تفاهم نانوشته تنها به نیاز روز ایران و آمریکا بستگی خواهد داشت و هر یک از طرفین هر زمان که منافعشان ایجاب کند می‌توانند اجرای تفاهم حاصله را متوقف کنند.

خبر

گروسی:

از تنش زدایی در موضوع ایران استقبال می‌کنیم

مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که این سازمان از هر توافقی که در موضوع هسته‌ای ایران منجر به تنش زدایی شود استقبال می‌کند. رافائل گروسی در موضوع نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران گفت: ما موافقت کردیم که ایران با آژانس همکاری کند، برخی از فعالیت‌ها را محدود کرده و به ما امکان می‌دهد ظرفیت‌های نظارتی بیشتری اضافه کنیم. به نوشته فرانس ۲۴ مذاکرات برای احیای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که در سال ۲۰۱۵ امضا شد، در سپتامبر ۲۰۲۲ شکست خورد و به نظر می‌رسد دولت جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده، طرفدار توافق غیررسمی و نانوشته با تهران است. گروسی در این ارتباط گفت: از هر بحثی که منجر به تنش زدایی شود، استقبال می‌شود. وی در پایان گفت: اگر هر نوع توافق وجود داشته باشد، امیدوارم از ما دعوت شود تا بررسی کنیم که هر تعهدی که انجام می‌شود واقعی است و فقط یک تکه کاغذ نیست.

مجید ابهری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

کودکان کار را هیچکس نمی‌بیند

۷۰ درصد کودکان کار فرزندان اتباع بیگانه هستند

بخشی فکر می‌کردند ۲۸ مرداد تکرار می‌شود

نه اصولگرا هستیم و نه اصلاح طلب

سن اعتیاد به ۱۴ سال رسیده است



آرمان ملی-نازنین فرازی: دکتر مجید ابهری، جامعه‌شناس و رفتارشناس اجتماعی و استاد دانشگاه است. ابهری چند دهه متداوم در زمینه آسیب‌های اجتماعی پژوهش کرده و آثاری چون «آزارهای خیابانی»، «اعتیاد چیست و معتاد کیست» و «جنگ نرم و تهدید نرم» و... را به رشته تحریر در آورده است. او که همواره دغدغه آسیب‌های اجتماعی را دارد در این گفت‌وگو به بررسی رفتار سلبی تری‌ها در حوادث سال گذشته پرداخت و در ادامه نیز در مورد کودکان کار و کاهش سن اعتیاد گفت. ابهری معتقد است: «تفاوت بزرگی بین کودکان خیابان و کودکان کار وجود دارد. کودکان کار را هیچکس نمی‌بیند. آنها در کارگاه‌های زیرزمینی، ریخته‌گری، صابون‌پزی، شیشه‌سازی مشغول به کار بوده و دوران جوانی را ندیده و از کودکی به پیری می‌رسند و به خاطر بیماری‌های مختلف و کشنده روی، استخوانی، گوارشی در سنین جوانی می‌میرند، اما گروهی که در خیابان‌ها به کارهای کاذب مشغول می‌باشند، همان کودکانی هستند که با سرمایه جلب ترحم در خیابان‌ها و چهارراه‌ها مشغول به کسب و کار هستند. در آمد روزانه آنها از درآمد ماهانه یک کارگر زحمتکش بیشتر است. آنها با فروش نوار چسب، گل، فال و با سماجت به ماشین‌ها و افراد پیاده و تا آنجا پول نگیرند، به دنبال کار و مسیر خود نمی‌روند و مردم به خاطر ترحم و دلسوزی به آنها پول می‌دهند، در حالی که نباید اسیر بازی‌های هنرمندان این کودکان شوند. این کودکان هر ۱۰ نفر یک سرگروه و سرپرست دارند که آنها را با سرویس پول و مد آمد آنها را بگیرد. این کودکان با یکدیگر خانه‌های شمال شهر پخش می‌کنند و در طول روز از دور مراقب آنها هستند تا مبادا کسی پول و مد آنها را بگیرد. این کودکان با یکدیگر خانه‌های گروهی دارند و بسیاری از آنها دور و جدا از والدینشان زندگی می‌کنند. کسانی که شعار حمایت از نیازمندان می‌دهند، ای کاش به کمک این لایه‌های کاذب اجتماعی بیایند و آنها را از آینده سیاه‌شان جدا کنند.» در ادامه این گفت‌وگو می‌خوانید.



آقای ابهری به نظر شما مهم‌ترین شاخصه‌های دولت‌ها چه اصولگرا و اصلاح طلب چیست؟

بعد از پیروزی انقلاب و در ۴۰ سال گذشته دولت‌های مختلف با سیاست‌ها و خط‌مشی‌های متفاوت بر سر کار آمدند. همه آنها در دو محور فکری و سیاسی حرکت می‌کردند یا اصلاح طلب بودند یا اصولگرا در هر حال هر کدام از این تفکرات برای خود مانیفست‌های متفاوتی داشتند که بر اساس آنها حرکت‌های دولت و سازمان‌ها را تنظیم می‌نمودند.

اما با هر سلیقه سیاسی این دولت‌ها در یک هدف یعنی اطاعت از رهبری و لزوم به کارگیری رهنمودها و نظریات ایشان بودند. متأسفانه شرایط حاکم بر جهان و منطقه گاه در کشور ما امواج سیاسی مختلفی تولید می‌کرد که دولت‌ها از تنش‌های تولیدشده آنها در امان نبودند.

متأسفانه تنش‌های سال ۸۸ و بعد از آن شکاف فکری و نظری در جامعه ما ایجاد کرد که فرصت‌های مناسبی برای فرصت‌طلبان و طرفداران آشوب‌های داخلی فراهم می‌کرد. بسیاری از جناح‌های سیاسی در دنیا و در کشورهای همسایه چشم به بیشتر شدن این شکاف‌ها داشتند تا از آب گل آلود کشور ماهی‌های مورد نظر خود را صید کنند.

در این میان گروهی که به نام سلبی‌تری‌ها یا چهره‌های هنری و معروف نامیده می‌شدند، به سه گروه تقسیم شدند. گروه اول که رسالت هنری خود را در ایجاد نشاط در جامعه یافته و فلسفه حضورشان را احیا و تقویت هنر در ابعاد مختلف به حساب می‌آوردند هیچگاه آلوده به مسائل سیاسی نشده و به کارهای هنری خود ادامه دادند. این ثبات قلب، تفکر و حرکت نقطه‌ای برای ضعف آنها به حساب نیامده و نمی‌آید، چرا که آنها تخصص و سابقه خود را در میادین هنری یافته بودند و در رشته‌های متفاوت از مجسمه‌سازی و نقاشی و تئاتر و موسیقی و سینما علی‌رغم جایگاه‌های ویژه و در کشور و جهان هیچگاه نخواستند با سیاست‌بازان در یک جهت حرکت کنند.

از این گذشته شما این برداشت را می‌کنیم که سلبی‌تری‌ها در مورد حوادث اجتماعی نباید موضع‌گیری می‌کردند؟

از نگاه رفتارشناسی اگر سیاستمداران به کار سینما و تئاتر می‌پرداختند، همین اهالی هنر زبان به اعتراض می‌گشودند که افراد غیر متخصص نباید وارد میادین تخصصی شوند، اما در همان حال این افراد به خود اجازه می‌دادند و می‌دهند در انواع نکات سیاسی دخالت کرده و نظریاتی که معلوم نیست از کدام تفکرات و دیدگاه‌ها گرفته می‌شود از زبان آنها خارج می‌شود. بنابراین در سه سال گذشته آشفتنگی بازار هنر بدنام‌ها رسید که حتی شبکه‌های ماهواره‌ای برای جلب مخاطب دست به تولید برنامه‌هایی زدند که مورد پسند دشمنان و مخالفان آن‌ها هم از نوع بی‌هدف و سرگردان بودند.

داشید در مورد تقسیم‌بندی سلبی‌تری‌ها می‌گفتید

گروه دوم از سلبی‌تری‌ها افرادی بودند که مدت‌ها در برده فراموشی قرار داشتند و حالا فرصت مناسبی برای میدان‌داری یافته بودند. هر چه بازار آشفته‌تر می‌شد، آنها در میان‌داری قدم‌های تندتری برمی‌داشتند. تعدادی از این گروه به خارج رفته و ضمن موضع‌گیری‌های تند در آنجا ماندگار شده و علیه ایران و ایرانی‌ها زبان به سخن‌گشودند. این تعداد از افراد دلگرمی و دلخوشی‌شان در این بود که بعضی از شب‌ها در این شبکه‌ها مطرح شده و با آنها مصاحبه گردد. در حالی که ساده‌اندیشانه بود اگر تصور می‌کردند که دوباره به نقطه اوج می‌رسند و پول و معروفیت به سوی آنها سرازیر می‌شود، اما گروه سوم، افرادی بودند که چندان جایگاهی در هنر سینما، تئاتر یا موسیقی نداشتند، اما با چنان هو و جنجال وارد معرکه شده‌اند که یکه‌تازی‌شان از همه بیشتر بود. آنها تصور می‌کردند ۲۸ مرداد دوباره تکرار می‌شود و این‌بار از روی فرش‌های قرمز به کشور برمی‌گردند. بعد از ۴۰ سال فعالیت میدانی، علمی و پژوهشی در رفتارشناسی بارها در مقالات مختلف به هر سه گروه از افراد مورد نظر یادآوری نمودند که اختلاف ما، اختلاف دو برادر یا اعضای یک خانواده است که نباید اجازه داد همسایه‌های

از نگاه رفتارشناسی اگر سیاستمداران به کار سینما و تئاتر می‌پرداختند، همین اهالی هنر زبان به اعتراض می‌گشودند که افراد غیر متخصص نباید وارد میادین تخصصی شوند، اما در همان حال این افراد به خود اجازه می‌دادند و می‌دهند در انواع نکات سیاسی دخالت کرده و نظریاتی که معلوم نیست از کدام تفکرات و دیدگاه‌ها گرفته می‌شود از زبان آنها خارج می‌شود. بنابراین در سه سال گذشته آشفتنگی بازار هنر بدنام‌ها رسید که حتی شبکه‌های ماهواره‌ای برای جلب مخاطب دست به تولید برنامه‌هایی زدند که مورد پسند دشمنان و مخالفان آن‌ها هم از نوع بی‌هدف و سرگردان بودند.

کینه‌توز در آن دخالت کنند، اما متأسفانه جاه طلبی بعضی از این افراد اجازه تفکر منطقی به آنها نداد. کسانی که کتاب‌های مرا مطالعه یا مصاحبه‌های مرا دنبال نموده‌اند، به خوبی می‌دانند که من نه اصولگرا هستم و نه اصلاح طلب بلکه پیرو واقعیت‌ها و حقایق هستم و تنها نظریات منطقی و رهنمایی‌های مثبت را که رهبر انقلاب بیان می‌نماید، مورد توجه و عمل قرار می‌دهم. از ابتدای رهبری ایشان نمی‌توان موردی پیدا کنیم که رفتار و گفتار ایشان تغییر کرده باشد. بنابراین برای یک محقق و نظریه پرداز مهم‌ترین نکته ثابت اندیشه و استحکام نظر است.

و همین اغتشاشات باعث سوءاستفاده برخی از کشورها شد.

بله، متأسفانه این اوضاع باعث شد که برخی دشمنان قسم خورده جامعه ایران تا پشت دیوارهای ما بیایند، دیگر کسی پیدا نمی‌شود در کینه‌ورزی بعضی از افراد که سرشار، زندگی، آزادی را داده و تشویق می‌کنند، شک کنند اما خودشان هنوز روسری بر سر داشته و بسیار محکم با منته و روسری خود در میادین و خیابان‌های اروپا ظاهر می‌شوند. اگر حجاب بد است، چرا خود آنها هنوز محکم و با قدرت حجابشان را حفظ کرده و ادامه می‌دهند؟ اگر حجاب خوب است، چرا فریادهای زن و آزادی‌سر می‌دهند؟ این تضاد رفتار و گفتار بسیاری از جوانان منطقه ما را به تفکر وادار نموده و آنها را به تجدیدنظر در نگاه‌شان وادار کرده است. اینجانب سال‌ها در اروپا تحصیل و زندگی کرده‌ام. برای کسانی که تصور می‌کنند اروپا کعبه آمال و قبله حاجات است، عرض می‌کنم این صدای دُهل است که شنیدن آن از دور خوشایند است. کاش فرصتی به‌وجودآید که آنها هم وارد این بهشت خیالی شوند آنگاه فاصله حرف تا عمل را ملاحظه نمایند.

اما در این مدت به علت تناقضی که در رفتارهای برخی مدیران و اختلاس‌هایی که صورت گرفته در نگاه بخشی از جامعه تاثیر گذاشته است. آیا این نکته را شما به عنوان یک رفتارشناس اجتماعی تأیید می‌کنید.

ببینید حرف و عمل بسیاری از افراد که در شعار طرفدار مستمندان و نیازمندان هستند اما در عمل حتی لباس‌های زیرین خود را از اروپا و شعب آن در همسایگی ما تهیه می‌کنند و اگر کسی خانه و ویلا، آنها را در همین ترکیه یا امارات مشاهده کند، متوجه دروغویی آنها می‌شود، چرا که آنها که سخن از ساده زیستی می‌نمایند باید نشانه‌هایی از آن را در خود داشته باشند اما متأسفانه حرف‌های فریبنده آنها به گونه‌ای است که بعضی از افراد را فریب می‌دهد. همان‌ها که بر دو دیوار می‌نویسند آن‌ها مسکن و آزادی، پدران‌شان چه قدمی برای تولید اشتغال و مسکن برداشته‌اند؟ برج‌نشینان شمال تهران که غذای سگ و گربه‌شان از اروپا می‌آید حق اظهار نظر و حمایت از کودکان کار و خیابان‌ران دارند.

راستی وقتی حرف به کودکان کار و خیابان رسید باید عرض کنم، اولین مرکز نگهداری کودکان خیابانی را اینجانب مدیریت نمودم. در همان سال‌ها نیز باز پیروان واقعی انقلاب بودند که در این گونه مراکز در خدمت کودکان کار و خیابان بودند. ۷۰ درصد از این کودکان فرزندان اتباع بیگانه هستند و باید برای چندمین بار عرض کنم تفاوت بزرگ و گسترده‌ای بین کودکان کار و خیابان وجود دارد. کودکان خیابانی خود بر دو گروه می‌باشند: کودکان در خیابان و کودکان خیابان. کودکان در خیابان همان‌هایی هستند که صبح از خانه خود و نزد والدینشان به خیابان می‌آیند و تا شب به مراغاهای مختلف مشغول بوده و شب دوباره به خانه برمی‌گردند، اما کودکان خیابان افرادی هستند که شبانه روزی در خیابان‌ها کار و زندگی می‌کنند. از نظر والدین، هر دو گروه کودکان کار یا دارای خانواده پریشان هستند و پدران و مادران آنها از هم جدا شده یا در باتلاق اعتیاد گرفتارند یا بزهکار هستند و در زندان‌ها به سر می‌برند.

چه تفاوتی بین کودکان خیابان و کودکان کار وجود دارد؟

تفاوت بزرگی بین کودکان خیابان و کودکان کار وجود دارد. کودکان کار را هیچکس نمی‌بیند. آنها در کارگاه‌های زیرزمینی، ریخته‌گری، صابون‌پزی، شیشه‌سازی مشغول به کار بوده و دوران جوانی را ندیده و از کودکی به پیری می‌رسند و به خاطر بیماری‌های مختلف و کشنده روی، استخوانی، گوارشی در سنین جوانی می‌میرند. اما گروهی که در خیابان‌ها به کارهای کاذب مشغول می‌باشند، همان کودکانی هستند که با سرمایه جلب ترحم در خیابان‌ها و چهارراه‌ها مشغول به کسب و کار هستند.

درآمد روزانه آنها از درآمد ماهانه یک کارگر زحمتکش بیشتر است. آنها با فروش نوار چسب، گل، فال و با سماجت به ماشین‌ها و افراد پیاده و تا از آنها پول نگیرند، به دنبال کار و مسیر خود نمی‌روند و مردم به خاطر ترحم و دلسوزی به آنها پول می‌دهند در حالی که نباید اسیر بازی‌های هنرمندان این کودکان شوند. این کودکان هر ۱۰ نفر یک سرگروه و سرپرست دارند که آنها را با سرویس‌های مختلف در خیابان‌ها و چهارراه‌ها مخصوصاً شمال شهر پخش می‌کنند و در طول روز از دور مراقب آنها هستند تا مبادا کسی پول و درآمد آنها را بگیرد. این کودکان با یکدیگر خانه‌های گروهی دارند و بسیاری از آنها دور و جدا از والدینشان زندگی می‌کنند. کسانی که شعار حمایت از نیازمندان می‌دهند، ای کاش به کمک این لایه‌های کاذب اجتماعی بیایند و آنها را از آینده سیاه‌شان جدا کنند. اینجانب بیش از ۴۰ سال از عمر و جوانی خود را صرف پژوهش‌های میدانی و کارهای عملی در آسیب‌های اجتماعی نموده و نتایج آنها را در کتاب‌های خود منعکس نموده‌ام. و همیشه روی سخنم با کسانی است که نقش دلسوز و حامی را بازی می‌کنند، اما حاضر نیستند به تعدادی از این کودکان سواد یاد داده یا برای آنها ایجاد اشتغال نمایند. دولت باید چارچوب‌های اصلی و اساسی را در اختیار داوطلبان قرار دهد اما تابه‌حال کدام داوطلب برای دریافت امکانات به نهادهای متولی مراجعه کرده و پاسخی دریافت نموده است.

اما سایر آسیب‌های اجتماعی نیز در جامعه در حال افزایش است مانند اعتیاد؟

اکنون سن اعتیاد به ۱۴ سال رسیده و مواد مخدر از اقلام سنتی به مواد صنعتی و گیاهی تغییر یافته. دیگر هروئین و تریاک و حشیش مشتری چندان در بین نوجوانان و جوانان ندارد. بلکه شیشه و گل و مواد مخدر گیاهی در میان نوجوانان و جوانان جولان می‌دهد. چه کسانی در ویلاهای چند هزار متری خود گل کشت کرده و در اختیار نوجوانان و جوانان می‌گذارند؟ کافی است سری به کافه تریاها و پاتوق‌های بالای شهر مثل سعادت آباد، پاسداران، آجودانیه و امثال آنها بزنید. اماکنی که فرزندان جنوب شهر حتی در خواب آنها را ندیده‌اند.

در پایان اگر گفته و نکته‌ای باقی مانده بفرمایید.

از روزنامه محترم «آرمان ملی» کمال تشکر را دارم که این فرصت را برای اینجانب و همکاران دانشگاهی‌ام فراهم نموده است. اگر عمری باشد، در گفت‌وگوهای بعدی در مورد آسیب‌های مختلف و بیشتر آنها سرخ در دست کسانی دارد که منابع تحریک و سرمایه‌گذاری در آشوب‌ها هستند، خواهم گفت.

تفاوت بزرگی بین کودکان خیابان و کودکان کار وجود دارد. کودکان کار را هیچکس نمی‌بیند. آنها در کارگاه‌های زیرزمینی، ریخته‌گری، صابون‌پزی، شیشه‌سازی مشغول به کار بوده و دوران جوانی را ندیده و از کودکی به پیری می‌رسند و به خاطر بیماری‌های مختلف و کشنده روی، استخوانی، گوارشی در سنین جوانی می‌میرند. اما گروهی که در خیابان‌ها به کارهای کاذب مشغول می‌باشند، همان کودکانی هستند که با سرمایه جلب ترحم در خیابان‌ها و چهارراه‌ها مشغول کسب و کار هستند. درآمد روزانه آنها از درآمد ماهانه یک کارگر زحمتکش بیشتر است. آنها با فروش نوار چسب، گل، فال و با سماجت به ماشین‌ها و افراد پیاده و تا از آنها پول نگیرند، به دنبال کار و مسیر خود نمی‌روند و مردم به خاطر ترحم و دلسوزی به آنها پول می‌دهند در حالی که نباید اسیر بازی‌های هنرمندان این کودکان شوند.

هنرمندان این کودکان شوند

